

علل تداوم جنگ *

مبانی راهبرد جدید ج.ا.ا (تعقیب متجاوز در داخل خاک خود)

در آزادسازی کشور نیروهای مسلح دست در دست نیروهای مردمی به دشمن یورش برده و طر عملیات بزرگی نظیر ثامن الائمه علیه السلام، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس اکثر مناطق و شهرهای اشغالی را یکی پس از دیگری آزاد ساختند. پس از آزادسازی خرمشهر، (عملیات بیت المقدس) حاکم عراق به بهانه «لزوم به کارگیری نیروها در جنگ با رژیم اشغالگر قدس» ناگهان صلح طلب شده!! و با درخواست آتش بس، اعلام کرد نیروهای خود را به پشت مرزهای بین المللی عقب کشیده است. عراق فی الواقع با این بهانه در نظر داشت ارتش خود را از تلفات و ضایعات بیشتر نجات دهد و آن را از فشارهای آتی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در امان نگاهدارد.

ولی آیا نیروهای مسلح ایران می توانستند:

- ۱- اعمال وحشیانه عراق در آغاز تجاوز، یعنی ویران کردن شهرها، آواره نمودن زنان و کودکان و سالخوردگان را فراموش کنند؟
 - ۲- آیا تجاوز به نوامیس اهالی شهر بستان قابل فراموش شدن بود؟
 - ۳- آیا زنان خرمشهری که تا آخرین لحظه در شهر باقی مانده و در نهایت با هدایت نیروهای رزمنده، در حالی که مردان خود را تشویق و تهییج به مقاومت و پایداری می نمودند و با نگاه حسرت بار به خانه های تخریب شده شهر می نگریستند و پای پیاده شهر را ترک می کردند، فراموش شدنی بود؟
 - ۴- آیا موشک باران شهرها و حمله هوایی به بیمارستان ها و منازل مسکونی در اقصی نقاط کشور که موجب شهید و مجروح شدن افراد بی گناه شده بود باید بدست فراموشی سپرده می شد؟
- با چنین اقداماتی، ادعای صلح طلبی عراق را چگونه بایستی باور داشت؟! در چنین وضعیتی سه سوال برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مطرح بود:

۱- آیا عراق برای رسیدن به اهداف خود پس از آمادگی مجدد، به ایران حمله نخواهد کرد؟
۲- آیا رها ساختن متجاوزی که مرتکب این همه جنایت شده عین عدالت است؟
۳- آیا در صورت قبول ادعای صلح طلبی عراق، وضعیت استقرار نیروهای مسلح کشور در نقاط استراتژیک مرزی به گونه‌ای می‌باشد که در مذاکرات سیاسی پس از آتش‌بس بتوانند شرایط خود را به عراق مقابل بقبولانند.
دولت جمهوری اسلامی ایران و مسئولین نظامی دلایل عدم پذیرش آتش‌بس اعلام شده توسط عراق را مورد بررسی قرار دادند و ادامه جنگ را به رهبر کبیر انقلاب پیشنهاد کردند.
حضرت امام خمینی (ره) که در ابتدا نسبت به توقف جنگ در این مرحله نظری مساعد داشتند، پس از دریافت جمع‌بندی سیاسی و نظامی مسئولین کشور ضرورت تعقیب دشمن را تشخیص داده و با استناد به آیه شریفه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» و همچنین اعلام «راه قدس از کربلا می‌گذرد» دستور ادامه جنگ را تا رسیدن به حقوق حقه ایران صادر فرمودند.

دلایل سیاسی و نظامی ادامه جنگ

پس از اعلام آتش‌بس عراق و متعاقب آن صدور قطعنامه شماره ۵۱۴ سازمان ملل متحد دلایل ذیل مبنای پیشنهاد مسئولین به فرماندهی کل قوا شد.

۱. منطق نظامی حکم می‌کرد با پیروزی‌های بدست آمده و در وضعیتی که برتری نظامی با نیروهای خودی است، جنگ تا رسیدن به موقعیتی برتر ادامه یابد.
۲. عراق بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین‌های ایران را در اشغال داشت و بایستی آزاد می‌شد.
۳. هیچ نشانه‌ای که حکایت از عقب نشینی سیاسی طرف مغلوب باشد موجود نبود.
۴. هیچ‌گونه ندای میانجی‌گرانه جدی در جهان شنیده نمی‌شد و محافل بین‌المللی درباره حقوق ایران سکوت کرده بودند.
۵. در قطعنامه شماره ۵۱۴ سازمان ملل به موارد ذیل اشاره نشده بود.

- هیچ‌گونه امتیازی برای ایران در نظر گرفته نشده بود.

- از محکومیت متجاوز خبری نبود.

- پرداخت غرامت به ایران به فراموشی سپرده شده بود.

راهبرد نظامی جمهوری اسلامی ایران

استراتژی نظامی جمهوری اسلامی ایران از آغاز جنگ تحمیلی را می‌توان در چهار استراتژی تبیین کرد:

۱. راهبرد مقاومت: این استراتژی در یک ماه اول جنگ با هدف جلوگیری از پیشروی هرچه بیشتر دشمن انجام گرفت.
۲. راهبرد تثبیت و پدافند: این راهبرد در دوازده ماه اول جنگ با هدف آماده‌سازی نیروها و جمع‌آوری اطلاعات انجام گرفت.
۳. راهبرد آفندی: این راهبرد در سال دوم جنگ با هدف آزادسازی سرزمین‌های تحت اشغال به مرحله اجرا در آمد.
۴. استراتژی تعقیب متجاوز در داخل خاک خود: این راهبرد پس از آزادسازی خرمشهر در ماه‌های پایانی سال دوم تا قبول قطعنامه دنبال شد و اهداف متعددی را شامل می‌شد.

اهداف استراتژی تعقیب متجاوز:

۱. کاهش توان نظامی عراق برای جلوگیری از تجاوز مجدد (دفع فتنه)
۲. تنبیه متجاوز
۳. رسیدن به مواضع برتر نظامی برای پشتیبانی مذاکرات سیاسی

ویژگی‌های راهبرد جدید

اجرای استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی از آنجایی که مبتنی بر تنبیه متجاوز، فرسوده کردن نیروهای نظامی عراق از طریق وارد کردن هرچه بیشتر خسارت و ضایعات و همچنین آسیب رساندن به مناطق حیاتی و تأسیسات اقتصادی و نهایتاً تهدید شهرهای بزرگ و خطوط مواصلاتی بین شهرهای عمده بود، تمامی طول جبهه از جنوبی‌ترین نقطه (شهر و بندر فاو) تا شمالی‌ترین نقطه (شهر سیدکان) را در بر می‌گرفت و لذا می‌توان ویژگی‌های استراتژی بازدارندگی را بدین شرح ذکر کرد:

۱. تحمیل نبرد به دشمن در نقاط مختلف، و در نتیجه کشاندن نیروهای احتیاط عراق به سراسر جبهه که فرسودگی آنان را همراه با غافلگیری موجب می‌شد.
۲. استفاده بیشتر از نیروهای پیاده نظام و کاهش اتکا به نیروهای زرهی.
۳. آزادسازی مناطقی از خاک میهن اسلامی که هنوز در اشغال عراق بود.
۴. آزادسازی بخش‌هایی از خاک عراق با استفاده از ظرفیت نیروهای محلی مخالف حکومت عراق.
۵. تصرف نقاط سرکوب و استراتژیک مرزی و استقرار در مواضع برتر نظامی در امتداد مرز دو کشور.
۶. تهدید شهرهای عمده فاو، بصره، العماره، مندلی، کرکوک، موصل، اربیل، پنجوین، حلبچه، رواندوز، چومان مصطفی، حاج عمران و سیدکان و خطوط مواصلاتی بین آنها و آسیب رساندن به منابع حیاتی و تأسیسات اقتصادی و نظامی.
۷. قطع خطوط اصلی تدارکات عراق با کشور کویت.
۸. نشان دادن توان برتر نیروهای مسلح ایران و وحدت و انسجام آحاد ملت در رسیدن به حقوق خود و مقابله با هرگونه تجاوز.

نیازمندی‌های راهبرد جدید

- استراتژی جدید نیازمندی‌هایی را طلب می‌کرد که نیروهای مسلح ایران کاملاً از آن برخوردار بودند و عبارتند از:
- الف- کسب اطلاعات تاکتیکی
 - ب- اجرای تاکتیک‌های ویژه برای عبور از موانع طبیعی و مصنوعی
 - ج- استفاده کامل از روحیه تهاجمی که با پیروزی در عملیات‌های بزرگ مضاعف شده بود.

راهبرد نظامی عراق

عراق برای موجه نشان دادن شکست نیروهای نظامی خود در افکار عمومی جهان با ذکر دلایل سیاسی خواستار صلح شد. اما از دیدگاه نظامی عقب‌نشینی عراق به دلیل ضعف‌هایی بود که در گسترش نیروهای آن کشور در خاک ایران وجود داشت. این ضعف‌ها عبارتند از:

۱. باز بودن جناحین و در دسترس بودن عقبه آن

۲. خطوط پدافندی ضعیف و قابل نفوذ

۳. در دسترس نداشتن نیروهای احتیاط لازم

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به بهره‌برداری صحیح از این نقاط ضعف، توانستند ضربات کوبنده‌ای بر پیکر نیروهای نظامی عراق وارد آورند و او را مجبور به عقب‌نشینی نیروهای عراقی تغییراتی در گسترش و توانایی نیروهای نظامی عراق به وجود آمد که عبارتند از:

۱. پوشش جناحین خطوط پدافند با اتکا به موانع طبیعی.

۲. تقویت خطوط پدافندی با کاهش طول خطوط و عمق دادن به آن.

۳. تشکیل احتیاط قوی و متحرک با استفاده از نیروهای صرفه‌جویی شده.

بدین ترتیب نیروهای نظامی عراق به منظور حفظ ماشین جنگی خود و کسب آمادگی لازم برای مقابله با رزمندگان و تجاوز مجدد، راهبرد «دفاع قطعی در عمق» را خط مشی خود قرار دادند.

اقدامات غیر متعارف عراق

عملیات برون‌مرزی انجام شده از نظر میزان موفقیت دارای افت و خیزهایی بود. این نیروها علاوه بر وارد کردن ضربات کوبنده بر ساختار نظامی نیروهای عراق، آن کشور را وادار به عکس‌العمل‌های غیرمتعارفی نمود که عبارتند از:

۱. کشاندن جنگ به شهرها از طریق بمباران هوایی و موشک باران که منجر به وارد

آوردن تلفات بر مردم غیرنظامی ایران شد. بطور مثال در مدت عملیات کربلا ۵ از ۱۹ دی

ماه تا ۳ بهمن ماه سال ۶۵ عراق به ۴۱ شهر ایران ۲۹۹ بار حمله هوایی نمود که حاصل آن

۱۹۱۸ تن شهید و ۷۶۵۸ تن مجروح بود.

۲. آغاز جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس و بر هم زدن امنیت کشتی‌رانی در آب‌های مناطق جنوبی که نتیجه آن افزایش حضور ناوگان کشورهای بزرگ شد.

۳. استفاده از جنگ‌افزارهای غیر متعارف شیمیایی و میکروبی که فاجعه انگیزترین آن بمباران شیمیایی شهر حلبچه توسط رژیم عراق بود. بمباران شیمیایی شهر حلبچه موجب قتل عام بیش از پنج‌هزار نفر از مردم گرد آن شهر گردید و در کلیه نقاط جهان بازتاب گسترده‌ای یافت و محکومیت عراق را از طرف اکثر کشورهای جهان در پی داشت.

اقدامات متقابل

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران متقابلاً چندین بار با پرتاب موشک و بمباران، منابع حیاتی و تأسیسات اقتصادی عراق، اقدامات تلافی جویانه انجام داده که مهم‌ترین آن پرتاب سیزده فروند موشک به تأسیسات شهرهای کرکوک و بغداد در تاریخ ۶۳/۱۱/۲۳ بود.

نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس با شرارت‌های دریایی عراق مقابله به مثل نمود و به خوبی توانست سیادت دریایی را حفظ نماید. همچنین، نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران با حفظ برتری هوایی در پشتیبانی از نیروهای سطحی فعال بود. ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوران راهبرد تقیبات متجاوز اکثراً به مأموریت ذاتی خود (پدافند از مرزها) پرداخت و همچنین عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در عملیات برون مرزی با توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی و در مواقع لزوم با نیروی زمینی پشتیبانی نمود.

بازتاب‌های جهانی

در سال‌های پایانی جنگ علی‌رغم آن که کمک‌های نظامی و اقتصادی از طریق ابر قدرت‌ها به عراق افزایش یافته بود و متقابلاً محدودیت‌های جمهوری اسلامی در زمینه تهیه و تدارک نیازمندی‌های نظامی بیشتر شده بود، ولی توانایی‌های نیروهای مسلح ایران برای همگان غیر قابل انکار بود. لذا جهانیان در معادلات سیاسی خود تمایل به پیروزی نهایی هیچ کدام از طرفین جنگ را نداشتند و تلاش می‌نمودند از طریق مجامع رسمی بین‌المللی طوری به این جنگ خاتمه دهند که طرف پیروز مشخص نگردد.